

انسان بودن انسان

بر شهر آرامش حاکم است. هیچ نگرانی‌ای وجود ندارد. همه چیز سر جای خودش. نه رقابتی نه حسادت، نه اعتراضی، نه انتخابی، نه ترسی و نه محرومیتی. کسی از گرسنگی درد نمی‌کشد، کسی از بی‌خانمانی رنج نمی‌برد. یوناس، در چنین شهری، زندگی می‌کند. همه چیزش کامل است و تحت کنترل. هر یک از هم‌شهریانش به کاری گمارده می‌شوند که برای‌شان از پیش تعیین شده است. هر یک از آنان در منصب خویش، سال‌های عمر خود را با آرامی و بدون دغدغه می‌گذرانند. کسانی نیز که با او زیر یک سقف زندگی می‌کنند و شکل خانواده او را تشکیل می‌دهند، هیچ ارتباط خونی با او ندارند. پس لازم نیست که او نگران آنها نیز باشد.

خانم لوئیس لوری، نویسنده آمریکایی به عنوان دانای کل، چنین جامعه مطلوب با معیارهای اتوبیایی را خلق می‌کند، دروازه آن را به روی خوانندگان می‌گشاید و آنان را با خود درون آن می‌برد تا همه کاملاً آن را احساس کنند و سپس نتیجه بگیرند. برخلاف داستان‌های کهن که افسانه‌پردازان از خوبی بر علیه بدی، از زیبایی بر علیه زشتی و از ثروت بر علیه فقر داد سخن می‌دادند تا برای خواننده خود نویدی به همراه بیاورند، خانم لوری، با آفرینش آرمان شهر خود، قصد دارد چه چیزی را نوید خوانندگانش بدهد؟

در فانتزی واقعی آگاهی‌بخش یا هشداردهنده، نویسنده می‌کوشد اساسی‌ترین مشکل جامعه بشری مدرن را در قالب فانتزی ارائه کند. او می‌خواهد انسان بودن انسان را معنا کند و حقارت بی‌هویتی را در دنیای بی‌عاطفه خاکستری، به بیان درآورد. این کارکرد، بر رابطه فانتزی با جامعه و رفتار و روابط اجتماعی متمرکز است. چنان‌که می‌دانیم، در جوامع گذشته، به دلیل نداشتن تکنولوژی، ثروت و علم، غالب مردم از رفاه نسبی برخوردار نبودند و داستان‌سرایان آن زمان نیز داستان‌هایی می‌گفتند تا التیامی باشند برای شنوندگان‌شان. به تعبیری، هنر آن دوره، آینه زمان خودش بوده است.

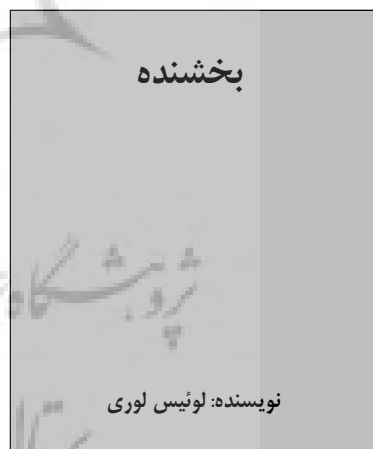
با پیشرفت علم و تکنولوژی، انسان معاصر تلاش کرده است تا به آرمان‌هایش تحقق ببخشد و جامعه‌ای بدون درد و رنج و گرسنگی برای خود و بازماندگانش تدارک ببیند. نویسنده، خواننده را با چنین جامعه‌ای رو به رو می‌کند که زمامدارانش حتی می‌کوشند یاد گذشتگان‌شان را فراموش کنند. آنان به جایی رسیده‌اند که نمی‌خواهند مردم‌شان بدانند در گذشته، کنترل نشدن جمعیت چه مشکلاتی داشته، گرسنگی چه دردی را به همراه آورده و سیل و توفان و بدی آب و هوا چه ویرانی‌هایی به بار می‌آورده است. آنان همه چیز را کنترل می‌کنند و انتظار دارند که همه چیز به همان شکل آرمانی باقی بماند. اما آیا مغز انسان‌ها، این اشرف مخلوقات هم تحت کنترل آنها خواهد بود؟

در این جاست که مؤلف، با طرح چنین موضوعی، نگرش خود را بیان و این گونه، به نظام اجتماعی قرن حاضر اعتراض می‌کند و ذهن مخاطب جوان را با رفتارهای تند نیروهای موثر اجتماعی آگاه می‌سازد.

نویسنده با خلق جامعه آرمانی «بخشنده» خواننده خود را به مقایسه وامی‌دارد. او را با رفتارهای جهان مدرن آشنا می‌کند که می‌خواهند همه چیز را در قالب‌های مشخص و تعریف شده و طبقه‌بندی شده ارائه دهند. او را در برابر یکسان‌سازی کمی در جهان معاصر، به طعیان وامی‌دارد. هر سطری از این فانتزی، گریزی از این طبقه‌بندی کمی است.

نویسنده، با زبانی روشن، می‌گوید همیشه چیزهایی هستند که در طبقه‌بندی تعریف شده نمی‌گنجند و روح انسان، مقوله مهمی در این زمینه است. انسان در پی یافتن ذات خود است. به هر انسانی باید فرصت داد تا خودش را بیابد و شیرینی زندگی را مزه کند.

○ پروین جلوه‌نژاد



- عنوان کتاب: بخشنده
- نویسنده: لوئیس لوری
- مترجم: کیوان عبیدی آشتیانی
- ناشر: نشر چشمه، کتاب و نوشته
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: نسخه
- تعداد صفحات: ۱۹۱ صفحه

کم می‌فهمد که با خوردن قرص، احساس و عاطفه از او و همسالانش گرفته می‌شود. در این جا نویسنده، این اصل را به پیش می‌برد که رفتارهای انسانی، تابع متغیرهای متعددی است؛ به این معنی که هم به وجه مادی هم به وجه معنوی نیاز دارد. انسان متعادل، به هر دوی آنها نیازمند است. او با مکالمهٔ دونفری بین بخشنده که ناخودآگاه یوناس است و یوناس، به خوانندهٔ خود گوشزد می‌کند که تنها امکانات مادی، برای زندگی کافی نیست و آن‌چه به زندگی قوام می‌بخشد، مسائل عاطفی نیز هست. پس از دریافت چنین نگرشی، یوناس می‌فهمد که زندگی گذشتگانش پر از مخاطره بوده، درحالی که زندگی کنونی او، عاری از خطر است. اما او اعتراف می‌کند که ای کاش او هم مانند آنها زندگی می‌کرد. در این جاست که تعادل روحی او به هم می‌خورد و بالاخره تصمیم می‌گیرد جامعه‌اش را ترک گوید؛ به این امید که به زیبایی زندگی دست یابد و یا به تعبیری، به تعادل برسد. ترک کردن جامعه، برای او به معنی با خود اندیشیدن و خود را پیدا کردن است؛ دریچه‌ای نو و امیدی نو!

او که نمی‌تواند بر پدر، مادر، خواهر و دوستانش تاثیر بگذارد، به داد گابریل کوچک، همان برادرخواندهٔ ناآرامش، می‌رسد و او را با خود همراه می‌کند. زیرا یوناس متوجه شده که فرار است گابریل نیز به علت ناآرامی درونی‌اش، محکوم به مرگ شود. از این به بعد، زندگی برای آنها رنگ تازه‌ای می‌یابد و آنها می‌روند تا تلاش کنند و جای واقعی خود را در زندگی بیابند.

در این داستان، نویسنده فقط به شخصیت یوناس نپرداخته، بلکه در کنار یوناس، به اشروفیونا و پدر یوناس هم اشاره کرده است. آنان مانند بسیاری از شخصیت‌های فانتزی‌های نو، کسانی هستند که با جامعه و قوانین آن کنار آمده، زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای را می‌گذرانند و در راه پیشرفت آن نیز می‌کوشند.

شخصیت دیگر، رزماری است که او نیز مانند یوناس، متوجه واقعیت‌های جامعه‌اش شده است، اما مانند او تاب و تحمل رنج کشیدن را ندارد. او پس از آگاهی، پیشقدم می‌شود تا به زندگی‌اش خاتمه دهد.

در جای جای کتاب، نویسنده با اشاره به مسائل مختلف، می‌کوشد خوانندهٔ خود را به این فکر وادارد که در یک جامعهٔ کامل، مردم باید چگونه زندگی کنند؟ چگونه همراه با پیشرفت‌های تکنولوژی و برخورداری همه از امکانات مدرن، به عواطف و احساسات نیز ارج گذاشته شود. سرانجام، نویسنده می‌کوشد خوانندهٔ عصر حاضر خود را به این پرسش برساند که به کجا می‌رویم؟ آیا در کنار زر و زیور زندگی، به خودمان نیز می‌اندیشیم؟

با استفاده از فانتزی در ادبیات کودکان - محمد محمدی

برخلاف داستان‌های کهن که افسانه‌پردازان

از خوبی برعلیه بدی،

از زیبایی برعلیه زشتی و از ثروت برعلیه فقر داد

سخن می‌دادند

تا برای خوانندهٔ خود نویدی به همراه بیاورند، خانم لوری،

با آفرینش آرمان شهر خود،

قصد دارد چه چیزی را نوید خوانندگانش بدهد؟

نویسنده با خلق جامعهٔ آرمانی «بخشنده» خوانندهٔ خود را

به مقایسه وامی‌دارد.

او را با رفتارهای جهان مدرن آشنا می‌کند

که می‌خواهند همه چیز را در قالب‌های مشخص

و تعریف شده و طبقه‌بندی شده

ارائه دهند

در ماه دسامبر، در مراسم دوازده ساله‌ها، رئیس ارشد می‌گوید: «شما یازده‌ساله‌ها تاکنون یاد گرفته‌اید که چگونه با محیط منطبق شوید، رفتارهای‌تان استاندارد شده و حرکتهایی که سبب جدایی از گروه شود، ملاحظه نمی‌گردد. اما ما امروزه برای تفاوت‌های شما درجانی قائل هستیم و آن درجات، تعیین‌کنندهٔ شغل شماست.» با توجه به خطابهٔ مذکور، نویسنده نیت خود را به پیش می‌برد. او جامعهٔ آرمانی فراگیر و برابر بخشنده آن را به خوانندگانش ارائه می‌دهد تا به این وسیله، پیام «خاص‌بودگی» را که عمیقاً از طرف این جامعهٔ آرمانی، تحت فشار قرار گرفته است، به خوانندگانش گوشزد کند.

در چنین نظام کامل و برابری، یوناس است که انتخاب می‌شود یا به تعبیری، برانگیخته می‌شود تا دریافت کند. اما دریافت‌کنندهٔ چه چیزی؟ او می‌تواند چیزهایی ببیند که دیگران نمی‌توانند ببینند. در این جا نویسنده، درگیری ذهنی یوناس، شخصیت اول داستان را چاشنی فلسفه‌اش کرده است. یوناس که تاکنون تنها خودش و زمان و موقعیت القایی پیرامونش را می‌شناخته، با بخشنده آشنا می‌شود. بخشنده پیر خردمند، شخصیت نمادین تحول فکری یوناس است. با تحول فکری یوناس که نویسنده آن را در قالب شخصیت بخشنده، به خوانندهٔ خود معرفی می‌کند، ذهن یوناس بیدار می‌شود و در پی یافتن چیزهایی می‌رود فراتر از آن‌چه در اطرافش می‌گذرد و به او تلقین می‌شود. او درمی‌یابد که زندگی‌اش تعادل ندارد. او کم‌کم متوجه کمبودهای عاطفی جامعه‌اش می‌شود. او درمی‌یابد که برای پایداری چنین جامعهٔ بی‌دغدغه‌ای، بسیاری از مسائل عاطفی زیر پا گذاشته شده است؛ همان‌گونه که افراد پیر و ناسازگار اخراج می‌شوند. او به معنی اخراج پی می‌برد؛ یعنی همان نمایش مرگ عمدی و کم

جعفر بدیعی بنیان‌گذار هفته‌نامه کیهان بچه‌ها که ۲۳ سال به عشق کودکان ایران عهده‌دار سردبیری آن نشریه بود، به دیار باقی شتافت. درگذشت آن روزنامه‌نگار سختکوش را به عموم اهل فرهنگ و به ویژه دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان تسلیت می‌گوییم و از پروردگار آرامش روحش را مسئلت داریم.

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان